



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۸ مهر ۱۳۹۸

مصادف با: ۱ صفر ۱۴۴۱

جلسه: ۷

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۹ - ۹۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**مسأله ۵۸۰:** «إذا توضأ وضوءین و صلی بعد کل واحد صلاة ثم علم حدوث حدث بعد أحدهما، يجب الوضوء للصلوات الآتية و إعادة الصلاتین السابقتین، إن كانتا مختلفتین فی العدد و إلا یکفی صلاة واحدة بقصد ما فی الذمة جهراً إذا كانتا جهريّتين و إخفاتاً إذا كانتا إخفاتیّتين و مخيراً بین الجهر و الإخفات إذا كانتا مختلفتین و الأحوط فی هذه الصورة إعادة کلّیهما»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص دو وضو بگیرد و بعد از هر کدام از آن وضوها، نماز بخواند و سپس یقین پیدا کند که بعد از یکی از آن دو وضو، حدثی حادث شده است، واجب است که او برای نمازهای بعدی وضو بگیرد و هر دو نمازی را که خوانده است، اگر در عدد مختلف باشند، اعاده کند، ولی اگر در عدد مختلف نباشند، اگر آن نمازها جهری [، مثل نماز مغرب] باشند، خواندن یک نماز جهری به قصد ما فی الذمه کفایت می‌کند و اگر آن نمازها اخفاتی [، مثل نماز ظهر] باشند، خواندن یک نماز اخفاتی به قصد ما فی الذمه کفایت می‌کند و اگر آن دو نماز در جهر و اخفات مختلف باشند، او مخیر است که آن نماز را به صورت جهری یا اخفاتی به قصد ما فی الذمه بخواند و احتیاط [مستحب] این است که وی هر دو نماز را اعاده کند، یعنی یک نماز جهری و یک نماز اخفاتی بخواند.

#### دلیل وجوب وضو برای نمازهای بعد

دلیل وجوب وضو گرفتن برای نمازهای بعدی در فرض مذکور، این است که آنچه مسلم است، این است که وضوی اول باطل است چون حدث یا بعد از وضوی اول واقع شده است یا بعد از وضوی دوم واقع شده است که در هر دو صورت، وضوی اول باطل شده است. اما بطلان وضوی دوم قطعی و مسلم نیست، بلکه محتمل است زیرا اگر حدث بعد از وضوی دوم باشد، قطعاً وضوی دوم نیز باطل شده است، ولی اگر حدث بعد از وضوی اول باشد، وضوی دوم باطل نشده است و با توجه به اینکه محتمل است که وضوی دوم متأخر از حدث بوده باشد، نمی‌توان به طور قطع و یقین به بطلان وضوی دوم حکم کرد، لکن این فرض تحت کبرای «علم به حدث و طهارت و شک در تقدم و تأخر آنها و جهل به تاریخ هر دو» قرار می‌گیرد که در این گونه موارد، استصحاب حدث جاری می‌شود و به بقاء حدث و در نتیجه بطلان وضو حکم می‌شود و اگر گفته شود که هم استصحاب حدث و هم استصحاب طهارت جاری می‌شود، این دو استصحاب با هم تعارض و تساقط می‌کنند و به قاعده اشتغال رجوع می‌شود و با تمسک به قاعده اشتغال به بطلان وضو حکم می‌شود زیرا ذمه شخص به تکلیف [خواندن نماز با وضو] مشغول شده است و برای اینکه برائت ذمه برای او حاصل شود، او باید یقین به سقوط تکلیف پیدا کند و یقین به سقوط تکلیف زمانی محرز می‌شود که وی برای نمازهای بعدی وضو بگیرد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۴۹.

دلیل وجوب اعاده هر دو نماز سابق در فرضی که آنها از نظر عدد رکعات مختلف باشند، اجماعی است که بر وجوب اعاده هر دو نماز اقامه شده است و علاوه بر اجماع، علم اجمالی به فساد یکی از دو نمازی که از نظر عدد با هم متفاوتند، وجود دارد، یعنی علم اجمالی وجود دارد که یا نماز اول [، مثلاً نماز مغرب] که خوانده شده است، باطل است [، اگر حدث بعد از وضوی اول حادث شده باشد] یا نماز دوم [، مثلاً نماز عشاء] باطل است [، اگر حدث بعد از وضوی دوم حادث شده باشد] و مقتضای علم اجمالی احتیاط و اعاده هر دو نماز است و فرقی نمی‌کند که هر دو نماز ادائی یا قضائی یا یکی ادائی و دیگری قضائی باشد.

**اشکال:** در موردی که دو نماز در اداء و قضاء مختلف باشند، یعنی یکی ادائی و دیگری قضائی باشد، فقط اعاده نماز ادائی لازم است و اعاده نماز قضائی لازم نیست زیرا قاعده اشتغال در رابطه با نماز ادائی جاری می‌شود و با جریان قاعده اشتغال در رابطه با نماز ادائی، علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی انحلال پیدا می‌کند چون وظیفه شخص درباره یک طرف علم اجمالی که نماز اداء بود، مشخص می‌شود و با تمسک به قاعده اشتغال باید آن نماز اعاده شود و درباره نماز قضا راهکار این است که چون شک بعد از وقت است، با رجوع به قاعده فراغ به صحت آن نماز حکم می‌شود و نیازی به اعاده نیست.

**پاسخ:** با تمسک به قاعده شک بعد از وقت نمی‌توان به صحت نماز قضائی حکم کرد چون شک بعد از خروج وقت متکفل القاء شک در اصل وجود است، یعنی اگر در اصل وجود چیزی شک شود، با تمسک به قاعده شک بعد از وقت به عدم وجود آن چیز حکم می‌شود، ولی در بحث مورد نظر در اصل وجود شک نشده است، بلکه در صحت موجود شک شده است. پس شک بعد از وقت در موردی است که انسان بعد از وقت شک کند که آیا نماز را اتیان کرده است یا اتیان نکرده است که در این صورت، بر اتیان نماز بنا گذارده می‌شود و به شک ترتیب اثر داده نمی‌شود، اما شک بعد از وقت موردی را که شخص بعد از وقت بداند که نماز قضائی بر او واجب بوده است و آن را خوانده است و الآن شک دارد که آیا آن نماز را به طور صحیح انجام داده است یا به طور صحیح انجام نداده است، شامل نمی‌شود زیرا در اصل وجود آن نماز شک ندارد، بلکه در صحت آن نماز شک دارد.

#### **دلیل کفایت خواندن یک نماز در موارد عدم اختلاف دو نماز در عدد**

اگر شخص دو وضو بگیرد و بعد از هر کدام از آن وضوها نماز بخواند و آن دو نماز در عدد اختلاف نداشته باشند [؛ مثلاً هر دو چهار رکعتی باشند] و بعد از خواندن نماز، یقین به حدوث حدث بعد از یکی از دو وضو کند، اعاده یک نماز به نیت ما فی الذمه کفایت می‌کند که اگر آن دو نماز جهری باشند، خواندن یک نماز جهری و اگر اخفاتی باشند، خواندن یک نماز اخفاتی کفایت می‌کند. دلیل کفایت خواندن یک نماز به نیت ما فی الذمه این است که در این صورت، برای انسان قطع به فراغ ذمه حاصل می‌شود و خواندن یک نماز با معلوم اجمالی نیز منطبق است چون معلوم اجمالی این است که یک نماز مشکل دارد و لذا خواندن یک نماز موجب می‌شود که آنچه فوت شده است، تدارک شود و ذمه شخص بری شود.

اگر دو نماز در عدد اختلاف نداشته باشند، ولی یکی جهری و دیگری اخفاتی باشد، شخص در خواندن بین جهر و اخفات مخیر است. مشهور گفته‌اند که در این صورت، مجالی برای قاعده اشتغال نیست که شخص بخواهد دو نماز جهری و اخفاتی به جای آورد زیرا قاعده اشتغال به موردی مربوط است که شخص بعد از علم به ثبوت تکلیف، در سقوط آن تکلیف شک دارد، در صورتی که در فرض مورد بحث، شخص به ثبوت تکلیف علم ندارد، بلکه در اصل ثبوت تکلیف شک دارد که در این صورت، مسلم است

که خواندن دو نماز جهری و اخفاتی بر عهده او نیست چون قطع دارد که یکی از دو نمازی که خوانده است، صحیح بوده و دیگری باطل بوده است و این گونه نیست که هر دو نمازی که خوانده است، باطل باشد لذا خواندن یک نماز کفایت می کند.

روایاتی نیز در این رابطه وارد شده اند که بر کفایت خواندن یک نماز دلالت دارند که ان شاء الله در جلسه آینده بررسی خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»